خبر

برخی روش ها نیازمند اصلاح است

کوثر قندهاری-یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران،تحقق آزادی بود و توفیقات زیادی نصیب ما شده است اما برخی روش ها نیازمند اصلاح است.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در نخستین کنگره مجمع وفاق و توسعه استان گلستان با بیان این مطلب گفت:تاکنون روند آزادی به گونه ایی بوده که سطح آزادی مطلوب وجود داشته است اما در برهه هایی با ترسیم خطوط قرمز مصنوعی به آزادی منتقدان لطمه وارد شده است.علی مطهری اظهار کرد:برخی نهادها قانون را دور می زنند،بعنوان مثال نهاد قانون گذار،مجلس شورای اسلامی است،اما اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی با وضع قانون از سوی خود،یک دانشجو را از ادامه تحصیل بازداشته و یا شورای عالی امنیت ملی به جای قوه قضاییه تصمیم می گیرد و حکم و مجازات تعیین می کند،صحیح نیست و باید اصلاح شود.وی افزود:یکی دیگر از چالش ها،حاکمیت دوگانه است بعنوان مثال برای بررسی تخلف یک روزنامه یا مجله،هیات نظارت بر مطبوعات داریم،اینکه یک روزنامه در هیات مطبوعات به یک تذکر یا اخطار محکوم می شود و در مقابل دادستان،حکم به تعطیلی می دهد قابل قبول نیست.نایب رییس مجلس شورای اسلامی گفت :اگرچه شعار انقلاب اسلامی آزادی و عدالت بود اما در کنار آن شعارهای مختلفی در قالب چهارچوب قانون اساسی قرار دارد،در انقلاب اسلامی،عدالت به مفهوم سوسیالیست مدنظر نبوده است و برای نمونه و مصداق انقلاب اسلامی ایران تنها می توان از انقلاب صدر اسلام نام برد که از همه اقشار اعم از فقیر و غنی در آن حضور دارند و انقلاب اسلامی ایران محدود به قشر و صنف خاصی نبود و نیست.

مطهری گفت:پیشرفت های علمی جمهوری اسلامی در زمینه های مختلف از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و ما می توانیم ادعا کنیم با پیشرفت های حاصل شده در بخش های علمی فاصله ما با دنیای غرب بسیار کمتر شده است.وی با اشاره به اینکه پس از انقلاب اسلامی ایران توفیقاتی در کشور حاصل شد که یکی از آنها توفیق نسبی در عدالت بود،گفت:با این وجود شکاف طبقاتی داریم و توفیق قابل قبولی در زمینه ترمیم شکاف اقتصادی نداشته ایم.مطهری افزود:در برهه ایی از زمان عده ایی مسئله حقوق های نجومی و املاک نجومی را مطرح کردند،در حالی که در بررسی های صورت گرفته مشخص شد کمتر از ۴۰۰ نفر از حقوق غیر متعارف استفاده می کردند که البته پول ها برگشت داده شد اما اثر منفی آن از بین نرفت.وی اظهار کرد:قاطبه مدیران جمهوری اسلامی پاک دست هستند و اینکه برای دستیابی به قدرت به هر وسیله ایی متوسل شده و حاکمیت را از زیر سوال ببریم قابل قبول نیست،اینک در شرایط سخت تحریم نباید دولت را خائن بدانیم و یا مدیریت آنها را زیر سوال ببریم بلکه باید نوک پیکان حمله ما به سمت ترامپ و اسرائیل باشد.مطهری با بیان اینکه همه برای راهپیمایی ۲۲ بهمن حضور فعال داشته باشند،گفت:باید به دشمن نشان دهیم که تحریم بی اثر بوده است و مردم ایران متحد و مقاوم هستند،موضوعی که هم اینک برخی سیاستمداران آمریکایی بیان کرده و در روزنامه های آنها منعکس شده است.لازم به ذکر است:مجمع وفاق و توسعه استان گلستان با اخذ مجوز از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور فعالیت سیاسی خود را آغاز کرده است.

ایجاد اشتغال در گلستان راستی آزمایی می‌شود

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان گفت: تعداد اشتغال ایجاد شده در استان راستی آزمایی می‌شود.به گزارش مهر،سعید مازندرانی در جلسه کارگروه اشتغال استان، اظهار کرد: امسال اشتغال ایجاد شده در گلستان بیش از تعهد ما بوده اما مردم اذعان دارند که این آمار حس نمی‌شود.وی افزود:به همین منظور تفاهم نامه‌ای با جهاد دانشگاهی استان منعقد کردیم و اطلاعات دقیق هزار نفر از افرادی که مشغول به کار شده و در سامانه ثبت شده‌اند را منتشر کنیم تا راستی آزمایی شود.مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان به اعتبارات اشتغال روستایی و عشایری استان اشاره و اظهار کرد: سهم طرح‌های جدید و ایجادی از این اعتبارات ۵۰ درصد، طرح‌های توسعه‌ای ۴۱ درصد و سرمایه در گردش ۹ درصد بوده است.مازندرانی تصریح کرد: دغدغه اصلی مدیران گلستان ایجاد اشتغال است و با تلاش دستگاه‌های اجرایی نرخ بیکاری از ۱۱.۶ درصد در تابستان سال گذشته به ۸.۹ درصد در تابستان امسال کاهش یافت.وی با بیان اینکه سهمیه‌های مشاغل خانگی را به فرمانداران اعلام کرده‌ایم، گفت: سال گذشته ۱۹۲ میلیارد ریال تسهیلات برای مشاغل خانگی پرداخت شد و امسال هم ۲۷۸ میلیارد ریال تسهیلات در حال پرداخت است.

وجود ۴۵ مدرسه کانکسی در گلستان

کمبود فضای آموزشی در گلستان و همچنین عشایری بودن برخی از نقاط سبب شده که عمر مدارس کانکسی در این استان به پایان نرسد. به گزارش مهر، استفاده از کانکس به جای ساختمان یکی از مشکلات اساسی و مهم برخی از مدارس در روستاها و شهرهای کشور است؛ مشکلی که گلستان هم از آن بی نصیب نمانده. کانکس یک سازه آهنیست با چند پنجره کوچک که زمستان‌ها به شدت سرد و تابستان‌ها هم بسیار طاقت فرسا است و به همین جهت استفاده از آن به تنها صورت مقطعی می تواند، جوابگو باشد؛ با این حال شاهدیم برخی دانش آموزان در تمام ایام تحصیل، در این سازه های فلزی سپری می کنند. در گلستان هم هستند دانش آموزانی که در این مدارس کوچک و آهنی با مشقت و سختی های زمانه تحصیل می کنند تا شاید بتوانند در آینده نقش سازنده ای در جامعه خود داشته باشند. هر چند در سنوات اخیر کلاس های آهنی جای خود را به مدارس استاندارد داده اما باز هم برخی از روستاها و شهرها نیازمند مشارکت خیران برای ساخت مدرسه استاندارد است تا دانش آموزان بتوانند با برخورداری از امکانات آموزشی مناسب راه پیشرفت را به خوبی طی کنند.

در این خصوص مدیر کل نوسازی و تجهیز مدارس گلستان گفت: ۹۲ مدرسه کانکسی در استان داشتیم که ۴۵ مدرسه با شروع تحویل مدارس سال ۹۷ جمع آوری شد. یاسر لیوانی افزود: برنامه داریم که کانکس های ۴۵ مدرسه باقیمانده را هم جمع آوری کنیم و البته عشایری بودن برخی از نقاط و کم بودن تعداد دانش آموزان ممکن است این اجازه را به ما ندهد. وی گفت: در آمار ما، کانکس هایی که مدارس آن ها هم در حال ساخت است، آمده بنابراین با بهره برداری از این پروژه ها آمار مدارس کانکسی ما کاهش می یابد. لیوانی گفت: دو مدرسه خشت و گلی در استان یکی در گنبدکاووس و دیگری در مراوه تپه داریم که کار عمرانی یکی شروع شده و دیگری هم باید مشکل زمینش برطرف شود تا کلنگ آن هم زده شود.

ناچار به استفاده از کانکس در برخی مناطق هستیم

اما در حالی که مدیر کل نوسازی مدارس گلستان تعداد مدارس کانکسی را ۴۵ مورد اعلام می کند، مدیرکل آموزش و پرورش استان گلستان گفت: در ۷۲ مدرسه استان کانکس داریم که در برخی از این مدارس تعداد دانش آموزان آن کمتر از ۱۰ نفر است و فضای موجود مدرسه یا تخریبی و یا گلی است. احسان گوهری راد اظهار کرد: هزینه کردنِ برای روستایی که وضعیت این چنینی دارد و یا عشایری است و برای سال آینده ممکن است دانش آموز دیگری نباشد، ظلم کردن به سایر مدارس است. وی بیان کرد: در این مدارس با این وضعیت از کانکس استفاده می کنیم و تمام تلاش ما این است که کانکس هایی که استفاده می شود، استاندارد باشد.گوهری راد با بیان این که این کانکس ها در برابر آتش سوزی ایمن هستند، ادامه داد: از این کانکس ها به عنوان کلاس های پیش ساخته نام برده می شود.وی با بیان این که کانکس ها وسایل گرمازا و سرمازا ایمن دارند، افزود: تعدادی مدارس کانکسی داریم که مدارس اصلی آن ها در حال ساخت است و تا زمانی که کار ساخت مدرسه به پایان نرسیده، دانش آموزان در کانکس تحصیل می کنند.

۱۷۸۰ دانش آموز در کانکس تحصیل می کنند

مدیرکل آموزش و پرورش گلستان گفت: کل دانش آموزان گلستانی که در این مدارس درس می خوانند هزار و ۷۸۰ نفر است که البته این آمار برابر کل دانش آموزان یک مدرسه است و ممکن است بخشی از دانش آموزان در کلاس عادی تحصیل کنند. گوهری راد تصریح کرد: ممکن است مدرسه ای تنها یک کلاس آن کانکسی باشد زیرا زمان ساخت دو کلاسه ساخته شده و اکنون نمی توان به آن کلاس دیگری اضافه کرد.وی افزود: البته برخی از مدیران دفتر مدرسه را به کانکس منتقل کرده و دانش آموزان در فضای دفتر تحصیل می کنند.گوهری راد اظهار کرد: بیشترین مدارس کانکسی در گنبدکاووس با ۱۵ مورد (عشایری و روستا) وجود دارد و دلیل آن مهاجرت و کوچ زیاد است.وی گفت: در شهرستان های کلاله (۶ مورد)، مراوه تپه، گالیکش، آق قلا، آزادشهر، رامیان، بندرترکمن (۳ مورد) نگین شهر، گمیشان، بندرگز، گنبدکاووس، مینودشت مدرسه کانکسی وجود دارد.

۵ مدرسه کانکسی در گرگان وجود دارد

گوهری راد تصریح کرد: در گرگان پنج مدرسه کانکسی وجود دارد که یکی از آن ها در روستای نومل است. مدرسه روستای نومل امسال افتتاح شد اما به خاطر مهاجرت اتباع یک کانکس هم اکنون به آن اضافه شده است.وی تصریح کرد: در انجیراب یک مدرسه دوشیفتی به نام «شهید مفتح» و «اردیبهشت» وجود دارد. این مدرسه ۱۲ کلاسه است و به دلیل افزایش تعداد دانش آموز یک کانکس به آن اضافه شده است.گوهری راد تأکید کرد: مدرسه علی مدنی در شهرک امام (ره) هم به دلیل تراکم دانش آموز یک کانکس دارد.به گزارش خبرنگار مهر درست که ساخت مدرسه از وظایف دولت است اما اگر دولت به‌تنهایی فرایند نوسازی و ساخت مدارس را در دست بگیرد، بسیار زمانبر خواهد بود بنابراین کمک مردم، بخش‌خصوصی و خیران مدرسه‌ساز همواره نیاز است. کمک خیران به امر نگهداری از مدارس هم بسیار قابل توجه است زیرا این مدارس در صورت عدم نگهداری ممکن است زودتر از موعد فرسوده و غیرقابل استفاده شوند بنابراین نیکوکاران باید در نگهداری مدارس هم مشارکت داشته باشند. احداث مدارس جدید و بازسازی و نوسازی فضاهای آموزشی فعلی و ایجاد فضایی شاد با امکانات مناسب از مهم ترین دغدغه های مسئولان گلستان است اما تراژدی مدارس فرسوده و نبود فضای آموزشی مناسب در این استان را پایانی نیست و باید راه حل ضربتی برای جذب اعتبار برای جبران کمبودها اندیشید و از ظرفیت خیران و سایر نهادها غافل نماند.

طرح جامع ۷ شهر گلستان در سالجاری تصویب و ابلاغ شد

مدیر کل راه و شهرسازی گلستان از تصویب و ابلاغ طرح جامع ۷ شهر استان توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از آغاز سال جاری تا کنون خبر داد. به گزارش روابط عمومی، حسین محبوبی گفت: با تهیه و تصویب طرح های جامع و تفضیلی در شهرهای استان به دنبال افزایش کیفیت زندگی و رفاه شهروندان و توسعه شهرهای استان در همه ابعاد هستیم. وی در این رابطه افزود: با پیگیری های مستمر و تلاش کارشناسان این اداره کل در حوزه شهرسازی و معماری رشد چشمگیری در سال ۹۷ نسبت به سالهای گذشته از نظر تصویب طرح های جامع و تفضیلی در شهرهای استان داشتیم و این روند ادامه خواهد داشت. محبوبی ادامه داد: تاکنون و با مصوبات سالجاری طرح های جامع ۲۲ شهر استان شامل گرگان،گنبد، بندرترکمن،آزادشهر، علی آباد کتول، رامیان، مراوه تپه، دلند، اینچه برون، خان ببین، گمیشان، کلاله، نگین شهر، نوده خاندوز، کردکوی، انبارالوم، فاضل آباد، بندرگز، نوکنده، سرخنکلاته، آق قلا، سیمین شهر از سال ۹۰ تا کنون در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تصویب و به استان ابلاغ شده است. مدیر کل راه و شهرسازی گلستان خاطر نشان کرد: با ساماندهی و نظم در روند کمیسیون های تخصصی و همچنین تسریع در صدور نتایج درخواست های واصله از سوی شهرداری ها در زمینه های مختلف طرح های شهری، اقداماتی صورت گرفته که این اداره کل عملیاتی نموده و در صدد افزایش رضایت ارباب رجوع می باشد.

آغاز ساخت بزرگترین مجتمع پرورش ماهیان خاویاری جهان در گلستان

مدیرکل شیلات گلستان از آغاز ساخت بزرگترین مجتمع پرورش ماهیان خاویاری جهان در گلستان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل شیلات استان، سید جواد قدس علوی اظهار کرد: فاز دوم مجتمع ۱۰ هزار هکتاری پرورش میگو (بزرگترین مجتمع پرورش میگو جهان) و فاز اول مجتمع ۵۰۰ هکتاری پرورش ماهیان خاویاری (بزرگترین مجتمع پرورش ماهیان خاویاری جهان)، در شهرستان گمیشان کلنگ زنی و اولین مرکز تکثیر و پرورش بچه میگو استان، در این شهرستان افتتاح شد. وی با بیان این که دو طرح کلنگ زنی شده شیلات جزو مهم ترین طرح های کشاورزی استان در کلنگ زنی های اخیر بوده است، اظهار کرد: امیدواریم در افق ۱۴۰۴ بتوانیم در مجتمع پرورش میگو گمیشان به تولیدی بالغ بر ۳۰ هزار تن میگو برسیم. همچنین پیش بینی ما در خصوص افق ۱۴۰۴ در مجتمع پرورش ماهیان خاویاری گمیشان، هشت هزار تن گوشت و ۴۰۰ تن خاویار است که این دو مجتمع مجموعاً برای ۱۳ هزار نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشتغال زایی خواهند کرد.قدس علوی در خصوص میزان ارزآوری این دو مجتمع در آینده برای کشور خاطرنشان کرد: ۹۵ درصد خاویار و ۷۰ درصد گوشت ماهیان خاویاری تولیدی این مجتمع و ۸۰ درصد میگو تولیدی در مجتمع پرورش میگو گمیشان صادر خواهد شد که نتیجه این صادرات یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار ارزآوری برای کشور است که این رقم در مقایسه با صادرات نفت، با تولید و صادرات ۳۵ میلیون بشکه نفت برابری می کند.وی گفت: با آغاز به کار فاز دوم مجتمع میگو گمیشان ۲۰ مرکز تکثیر بچه میگو، ۷۵ واحد عمل آوری و پنج کارخانه تولید خوراک آبزیان در استان نیاز است که مطمئنا احداث این ۲۰ کارخانه سهم قابل توجهی در اشتغال زایی استان و منطقه خواهد داشت.قدس علوی با اشاره به نتایج مثبت سفر ریاست جمهوری به گلستان برای شیلات استان تصریح کرد: این سفر برای شیلات استان خیر و برکت زیادی همراه داشته است به طوری که اکثر مجوزهایی که طی دو سال اخیر منتظر صدور بودیم، با تلاش همکاران و وارد شدن شخص استاندار به موضوع، اخذ شد. همچنین نکته قابل توجه این سفر تصویب بودجه های ۱۵ میلیاردی از سوی سازمان برنامه و بودجه و تصویب بودجه ۴۰۰ میلیاردی از سوی وزارت جهاد کشاورزی به پروژه های شیلات بوده است.لازم به ذکر است همزمان با سفر رئیس جمهوری به گلستان ۵۰۰ هکتار از مزارع و تاسیسات زیر بنایی فاز اول مجتمع پرورش میگو گمیشان، سه مرکز عمل آوری آبزیان و یک مرکز تکثیر میگو افتتاح و همچنین عملیات اجرایی فاز دوم مجتمع پرورش میگو گمیشان به وسعت ۶ هزار هکتار و فاز اول مجتمع پرورش ماهیان خاویاری گمیشان به وسعت ۲۲۰ هکتار هم آغاز شد.

تصویب ۷۰ میلیارد ریال اعتبار برای دیوار بزرگ گرگان

مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان از تصویب ۷۰ میلیارد ریال اعتبار برای دیوار بزرگ گرگان طی سفر رئیس جمهور به گلستان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی امور فرهنگی و بین الملل اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان، ابراهیم کریمی با اشاره به اعتبارات مصوب شده در سفر اخیر ریاست جمهور به گلستان در حوزه این اداره کل اظهار کرد: یکی از مصوبات در این حوزه اختصاص ۷۰ میلیارد ریال ردیف بودجه ای به دیوار بزرگ گرگان بود.وی با اشاره به این که کاوش های باستان شناسی در دیوار گرگان با تاسیس دفتر پایگاه دیوار در گرگان از سال ۱۳۷۹ آغاز شده است، خاطرنشان کرد: در مدت این ۲۰ سال، تنها حدود ۳۰ میلیارد ریال برای این پروژه هزینه شده است. کریمی افزود: این در حالی است که با پیگیری های انجام شده و در سفر اخیر دولت تدبیر و امید به استان گلستان ۷۰ میلیارد ریال برای این اثر تاریخی اعتبار تخصیص داده شده است.وی با اشاره به این که تهیه پرونده ثبت جهانی دیوار بزرگ گرگان از اولویت های اساسی این طرح است، گفت: انجام مطالعات و اجرای فاز یک طرح دیوار دفاعی گرگان شامل آزادسازی و تملک عرصه و حریم، مطالعه و بازسازی بخشی از دیوار گرگان، حفاظت و آماده سازی و مرمت پایگاه های حفاظتی و پژوهشی از جمله اقدامات آتی این اداره کل در این پروژه خواهد بود.

سهم دانشگاه‌های گلستان در ایجاد اشتغال صفر است

استاندار گلستان گفت: سهم دانشگاه‌های گلستان در ایجاد اشتغال صفر بوده و این بی تفاوتی قابل قبول نیست.سید مناف هاشمی در جلسه کارگروه اشتغال استان، اظهار کرد: سفر رئیس جمهور به گلستان برکات و ثمرات زیادی داشت و اکنون دستگاه‌های اجرایی باید پیگیر مصوبات این سفر باشند.وی افزود: در سفر رئیس جمهور به گلستان دو هزار و ۸۶۰ میلیارد تومان اعتبار برای پروژه‌های استان تصویب شد و احتمالا این رقم از مرز سه هزار و صد میلیارد تومان عبور خواهد کرد.وی ادامه داد: همچنین صندوق توسعه ملی و نهادها توافقنامه‌هایی با ما منعقد کردند که باید این مصوبات را محقق و آثار آن را در حوزه اشتغال شاهد باشیم.استاندار گلستان با بیان اینکه اشتغال و معیشت مردم اصلی‌ترین دغدغه دولتمردان است، گفت: هر کدام از ما باید طوری نقش ایفا کنیم که بازار کنترل شود و به مردم فشار نیاید، زمانی که مردم به ما مراجعه می‌کنند باید مشکلات آنها را لمس کنیم و از همین منابع ناچیز و ارزان برای رفع مشکلات مردم قدم برداریم.هاشمی تصریح کرد: امسال ۲۲ هزار و ۷۰۰ شغل در گلستان ایجاد شده که بیش از تعهد ماست و از لحاظ عملکرد در این حوزه میان سه استان برتر کشور هستیم.وی افزود: آمار ایجاد اشتغال در گلستان نشان دهنده سرعت توسعه استان است که این آمار خوشحال کننده بوده اما گویا عده‌ای از این اتفاق خوش‌شان نمی‌آید.هاشمی اضافه کرد: سهم دانشگاه‌های ما در ایجاد اشتغال صفر بوده که این بی تفاوتی قابل قبول نیست و دستگاه‌هایی که کمتر از ۵۰ درصد تعهد، اشتغال ایجاد کرده‌اند باید توضیح دهند.وی یادآور شد: بهترین نوع راستی آزمایی ایجاد اشتغال را باید خودمان انجام دهیم تا مشخص شود که این ایجاد اشتغال کاذب بوده یا واقعی است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سازمان نظام صنفی رایانه ای استان گلستان (نوبت دوم)

بدینوسیله از اعضای محترم سازمان نظام صنفی رایانه ای استان گلستان دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت دوم این سازمان که در روز چهارشنبه ۹۷/۱۱/۱۰ ساعت ۱۱ با دستور جلسه ذیل برگزار می گردد. حضور بهم رسانید.
لازم به ذکر است که همراه داشتن کارت شناسایی معتبر برای احراز هویت، ضروری می باشد.
دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیات مدیره و بازرس سازمان
۲ـ بررسی و تصویب ترازنامه سال منتهی به ۹۷/۶/۳۱ صورتحساب درآمد و هزینه های سال مالی گذشته و بودجه سال آتی
۳ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار ۴ـ برگزاری انتخابات بازرس ۵ـ سایر مواردی که به موجب آیین نامه سازمان در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.
هیات مدیره سازمان نظام صنفی رایانه ای استان گلستان

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

خبر

برخی مدیران گلستان هنوز بیکاری را لمس نکرده اند

استاندار گلستان با انتقاد از عملکرد ضعیف برخی دستگاه های استان در کاهش آمار بیکاری گفت: برخی مدیران هنوز مشکلات حوزه اشتغال و نبود فرصت های شغلی کافی را لمس نکرده و تلاش حداکثری برای رفع کمبودهای این بخش ندارند. به گزارش ایرنا، سید مناف هاشمی در جلسه کارگروه اشتغال استان گفت: مدیران استان، فرمانداران و مدیران بانک ها برای ایجاد اشتغال بیشتر در استان از منابع محدود بانکی فعلی بهینه و مطلوب استفاده کنند تا بخشی از دغدغه های معیشتی مردم برطرف شود.وی افزود:اگر مدیر یک دستگاه اجرایی و اداری استان نتواند در مجموعه تحت مدیریتش شغل ایجاد کند نشانه ضعف مدیر و غیر قابل قبول است. استاندار گفت: از ۳۰ هزار شغلی که ایجاد آن را برای امسال وعده کرده بودیم تاکنون ۲۲ هزار و ۷۰۰ شغل ایجاد شده که مطلوب است اما اولویت مهم در کنار راه اندازی مشاغل جدید، حفظ فرصت های شغلی فعلی است.

۳۲۰ تن سیب درختی شب عید در گلستان ذخیره شد

مدیرکل سازمان تعاون روستایی گلستان گفت: ۳۲۰ تن سیب درختی برای شب عید ساکنان این استان خریداری و در انبارها ذخیره شده است.حکیم گلدی زاده در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: این مقدار سیب درختی در صورت احساس کمبود و نظر اعضای کمیته راهبردی تنظیم بازار میوه، روانه بازار می شود. وی در خصوص تامین پرتقال شب عید استان هم گفت: امسال تهیه ۶۰۰ تن پرتقال تامسون پیش بینی شده که اولویت خرید با محصولات باغداران غرب گلستان است. به گفته وی در مرحله اول در روزهای آینده ۲۰۰ تن پرتقال تامسون از باغداران استان به ویژه شهرستان کردکوی خریداری می شود.تعاون روستایی گلستان سال گذشته حدود یک هزار تن میوه شب عید شامل سیب درختی و پرتقال خریده بود.پیش بینی تولید امسال پرتقال استان گلستان ۸۰ هزار تن است.

صادرات ۲۲۲ میلیون دلاری از گمرکات گلستان در ۱۰ ماهه امسال

مدیرکل گمرکات گلستان از صادرات قریب به ۲۲۲ میلیون دلار از گمرکات گلستان در ۱۰ ماهه امسال خبر داد. سید ابراهیم حسینی در گفتگو با مهر اظهار کرد: در ۱۰ ماهه امسال ۳۲۱ میلیون و ۲۹۱ هزار و ۵۹۹ کیلوگرم کالا به ارزش ۲۲۱ میلیون و ۷۱۸ هزار و ۶۴۵ دلار از گمرکات استان صادر شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر وزنی ۷۳ درصد و از نظر دلاری ۵۳ درصد افزایش داشته است. حسینی ادامه داد: همچنین در این مدت ۱۰ قلم کالای اول صادراتی از نظر ارزش به ترتیب پنیر، میله های آهنی یا فولادی، گرم نورد شده، پلی استایرن، رب گوجه فرنگی، خوراک دام و طیور، لوله و پروفیل آهنی، نئوپان، پریفرم، اسکلت و قطعات اسکلت و ید بوده است. وی افزود: در ۱۰ ماهه امسال عمده کالاهای صادر شده از گمرکات استان به ترتیب ارزش دلاری به کشورهای عراق، ترکمنستان، افغانستان، قزاقستان، بلغارستان، رومانی، چین، قطر،ازبکستان،فدراسیون‌روسیه،پاکستان،ترکیه، آذربایجان وغیره بوده‌است.حسینی گفت:در ۱۰ ماهه سال جاری ۵۸ میلیون و ۲۸۳ هزار و ۲۸۱ کیلوگرک کالا به ارزش ۲۶ میلیون و ۳۴۷ هزار و ۶۵۴ دلار وارد کشور شده که نسبت به مدت مشابه قبل از نظر وزن ۸۵ درصد افزایش و از نظر ارزشی سه درصد کاهش را نشان می دهد. وی تصریح کرد: عمده اقلام وارداتی این مدت، جو، دانه کلزا و دانه روغنی کلزا،دانه آفتابگردان،ماشین های تزریقی برای کارکردن روی کائوچو یا مواد پلاستیکی و موم مصنوعی بوده است. حسینی بیان کرد: در ۱۰ ماهه سال ۹۷ جمعاً یک میلیون و ۵۲۵ هزار و ۴۰۰ کیلوگرم کالا به ارزش چهار میلیون و ۵۷۶ هزار و ۲۰۰ دلار و ۲۷۳ میلیارد و ۹۰۳ میلیون و ۲۹۳ هزار و ۳۸۸ ریال تحت رویه صادرات چمدانی از گمرک مرزی اینچه برون به خارج از کشور صادر شده است که از نظر وزن و ارزش دلاری ۳۱ درصد و از نظر ریالی ۱۳۳ درصد افزایش را نشان می دهد.

یادداشت

فلسفه‌ورزی در فراغ سنت

حامدصفاریان

اگر از من بپرسند که بزرگ‌ترین ایراد فلسفه‌ورزی‌های ما کدام است، خواهم گفت: فراغت از سنت.پرداختن به اندیشه‌های فیلسوفان کلاسیک از خلال متون ایشان، لااقل در حد و اندازه‌هایی که ما به فلسفه‌ورزی مشغول هستیم، بدون آشنایی با سنت‌های اصلی خوانش متون آن فیلسوف، و در سطوحی مشخص، بدون اتخاذ موضع یک سنت خاص یا برآیندی همساز و منسجم از سنت‌های تفسیری همراستا، نه تنها عملاً از عمق کافی برخوردار نخواهد بود، بلکه تناقض‌های درون‌ماندگار چنین برخوردی نیز تا مدت‌ها بر ما پوشیده خواهد ماند، و در بهترین حالت، خوانش ما تنها در حد مشترک اجماع همگانی بر سر خوانش آن فیلسوف متوقف خواهد ماند. این اجماع همگانی نیز عموماً خلاصه‌ای تاریخ فلسفه‌ای بیش نخواهد بود، چرا که تاریخ فلسفه‌ها اکثرا حاوی همین خوانش‌های مورد اجماع عمومی، و به تعبیری دیگر، حاوی فرازهای منجمدشدهٔ فلسفه‌اند. بستری که بخش‌های زندهٔ فلسفه در آن به نشو و نما مشغول است، مباحثات موجود بر سر موارد مورد اختلاف است. از بطن همین مرزبندی‌هاست که سنت‌ها و پارادایم‌های مکاتب فلسفی بیرون می‌آیند.کانت و هگل که جای خود دارند، اگر کسی حتی مدعی در اختیار داشتن فهمی از فلسفهٔ افلاطون باشد، اما نتواند به این پرسش پاسخ دهد که این فهم او ذیل کدام سنت تفسیر افلاطون می‌گنجد، این خود نشانه‌ای آشکار از رویکرد منجمد و تاریخ‌فلسفه‌ای او به فلسفهٔ افلاطون است. چنین کسی عملاً در ناحیهٔ فراغ سنت به افلاطون مشغول است و نه در منطقهٔ زندهٔ آن. ای‌بسا برای ما که از اساس از پوسته‌های خشک درخت فلسفه تغذیه می‌کنیم و قرن‌هاست که از پروسه‌های حیاتی آن بدور مانده‌ایم، این نکته شگفت بنماید و از خود بپرسیم که مگر خوانش افلاطون هم پس از دوهزار و چندصد سال سنت دارد؟ آری دارد، اما دریغ که برای ما همیشه یک داستان تکراری را به عنوان فلسفهٔ افلاطون بازگو کرده‌اند بی‌آنکه نه گوینده و نه شنونده بدان آگاه بوده باشند که این داستان‌ها تاریخ‌فلسفه‌ای بیش نبوده است. افلاطون را از منظر مکتب نوافلاطونی جوری می‌توان قرائت کرد و از منظر مکتب تفسیری متأثر از شلایرماخر جوری دیگر، و باز از منظر مکتب میلان و توبینگن، از منظر جوانی رئاله، هانس یواخیم کرمر و تماس سلژاک جوری دیگر، چنان که اکنون در قرن بیست‌ویکم نیز نمی‌توان سخن از افلاطون به میان آورد و نگاهی به سنت‌های خوانش فلسفهٔ او نداشت.اما حتی توان گفتگو یا مواجههٔ زنده با سنت‌های موجود را نیز نداریم و اتخاذ و انتخاب‌هامان در وادی سنت‌های موجود نیز بیشتر از جنس تصادف یا ذوق و سلیقه و یا تقلید است، چرا که این گفتگو و مواجههٔ زنده مستلزم ابزارهایی است که ما از آن بی‌بهره‌ایم. مهم‌ترین این ابزارها دانستن زبان متن و مسلح بودن به روش‌های فیلولوژیک و هرمنوتیک خوانش متون است. در این معناست که زبان‌ندانی و فراغت از سنت بواقع نمودهای متفاوت یک پدیدهٔ واحد بشمار می‌روند.

محمدعلی ذکاءالملک فروغی

حامد عامری

محمدعلی ذکاءالملک فروغی یکی از مهم‌ترین سیاستمداران ایرانی در دورهٔ جدید تاریخ سیاسی‌اش است. فروغی نظر و عمل سیاسی را در هم آمیخته بود و سال‌های طولانی در عرصهٔ سیاست در دوره‌های پر تلاطم تاریخ ایرانِ پس از مشروطه حضور داشت. سخن گفتن از همهٔ وجوه اندیشه و عملِ او در یادداشتی کوتاه امکان‌پذیر نیست و در اینجا به یکی از وجوه نظری او یعنی مشروطه‌خواهی‌اش با عنایت به رسالهٔ مهم «حقوق اساسی یا آداب مشروطیت‌دول» پرداخته‌می‌شود.

رسالهٔ حقوق‌اساسی یا آدابِ مشروطیتِ دولِ فروغی، نقطهٔ عطفی در «تجربهٔ» قانون‌خواهی در عصر قاجار بود. این رساله، در زمانی تاریخی به تمام معنا نگاشته شد. زمانی که فرمان تأسیس مجلس شورای ملّی صادر و بر آن مبنا مجلسی ایجاد شده بود و اکنون، نیاز به مبانیِ اساسی‌تر برای مشروطه بود. فروغی، با بهره‌گیری از «تجربه»‌های پیش از خود به دنبال تدقیقِ مبانیِ حقوقی اندیشهٔ قانون‌خواهی و گذار آن به مشروطه‌خواهی بود. در زمانِ نگارشِ رسالهٔ فروغی، ایدهٔ قانون‌خواهی در مشروطیت تبلور پیدا کرده بود و او که نزدِ پدر و در دارالفنون درس خوانده و از زبان‌های جدید اروپایی نیز بهرهٔ کافی را می‌برد، در گسترش ترمینولوژیِ دانشِ حقوقِ جدید نقش مهمّی داشت. رسالهٔ فروغی، پر است از اصطلاحاتی که سنگِ بنای دانشِ حقوقِ عمومی را در ایران ایجاد کرد.

مبانی فکری فروغی در این رساله، ناظر به حقوق جدید فرانسه و برای ایجادِ بنیان‌های معرفتی و فرهنگی برای نظام جدید مشروطهٔ ایران است. سخن از «وضع قانون»، «تشکیل پارلمان»، «تعیینِ وظایفِ دولت»، «لزوم ایجادِ هیئتِ وزیران»، «حقوقِ ملّت در استفاده از آزادی‌های اجتماعی و حقوقی و برابریِ شهروندان در مقابلِ قانون» و بالاخره «پاسخ‌گوییِ دولت در برابر ملّت»، از اساسی‌ترین مسائلی هستند که ذهن و زبانِ روشنفکران و مشروطه‌خواهانِ ایرانی را در آن دوره به خود مشغول داشته بود، و استقرارِ مشروطهٔ سلطنتی و دولتِ ملّیِ جدید، تحقق آن آرزوها و ایده‌ها بود. ذکاءالملک فروغی با تبیینی مشخص از حکومتِ قانون و قانون اساسی و چارچوب‌های آن در رساله‌اش در اوانِ حکومتِ مشروطه، تلاشی مشخّص در راهِ تبیین نظریِ مشروطه‌خواهی انجام داده و آن را تبیین می‌نماید. این رساله که برایِ تدریس در «مدرسهٔ علوم سیاسی» نگاشته شده بود، نشان‌گرِ تلاش برای تربیتِ افرادی بود که مفهوم قانون، حقوق و بنیادهایِ جدید آن را به صورتِ مشخّص بشناسند. این رساله، همچنین در تبیینِ نظریِ مشروطه‌خواهی و نیز ناسیونالیسم، بسیار کوشا بوده و تبیینِ موضوعِ «سلطنتِ ملّی» به‌جایِ سلطنتِ مستقله، که پیش از مشروطه مورد توجه بوده است، بسیار حائز اهمیت است.

او در ابتدای رساله‌اش به ارائهٔ تعریفی از علم حقوق می‌پردازد. «علم حقوق Droit علم به قوانینی است که به جهتِ انتظام هیئت اجتماعیهٔ بشر وضع شده و باید به قوهٔ جبریه مجری گردد. حکمایِ قدیم ما این علم را سیاستِ مُدُن می‌گفته و حقوق اصطلاح جدید است.» در اینجا، او علم حقوق در معنایِ جدید آن را به معنایِ قدیمیِ سیاست مدن، در حکمتِ قدیم ارجاع می‌دهد، گرچه برای این موضوع دلیلِ قانع کننده‌ای ارائه نمی‌دهد، اما به لحاظ مسئلهٔ نظم و انتظام افراد که در سیاستِ مُدُن قدیم مورد توجه بوده است، در اینجا نیز او به همین مسئله اشاره دارد، اما در اساسِ دولتِ جدید، او نگاهش به بنیان‌های جدید در دنیای زمان خود است، او که در زمان استقرار مشروطیت در ایران رساله‌اش را به نگارش در آورده بود به مسئلهٔ بنیان و اساس دولت (Constitution) پرداخته و آن را عبارت از قوانینی می‌داند که، «ترتیبِ اختیاراتِ دولت و تعیینِ حقوقِ ملّت به موجب آن قوانین می‌شود.»

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ترکیب‌هایی که محمدعلی فروغی در تبیینِ اندیشهٔ حقوقی و قانون‌گرایی خود به کار می‌برد، مفهوم «دولت بااساس» است. در ابتدا، به این نکته باید اشاره داشت که، در نیمهٔ دوّم عصر ناصری، در بحث‌های روشنفکری التفاتی به پی‌آمدهای فقدانِ اساس در حکومتِ قانون در ایران پیدا کرده بودند، امّا امکاناتِ نظامِ مفاهیمی که روشنفکران به کار می‌گرفتند، کمتر از آن بود که بتواند مفاهیمِ بنیادینِ تجدّد را بازتاب دهد.

«دولتِ بااساس»، در تعریفِ حقوقیِ آن، صرفِ وجودِ اساس نیست، بلکه وجودِ قانونیِ اساسی است که اختیاراتِ دولت و ملّت را به یکسان معیّن می‌کند. اختیاراتِ دولت و حقوقِ ملّت دو ساحت در بنیادِ دولت‌های جدید است که همهٔ نهادهای دولت، ناظر بر تحقّقِ آن ساحت است. فروغی، ذیلِ مبحثِ «اساسِ دولت و موقعِ ظهورِ آن» اشاره می‌کند «هر دولت که دارای قوانینِ مذکوره باشد آن را دولتِ بااساس gouvernement constitutionnel گویند والّا یعنی اگر ترتیبِ اختیاراتِ دولت و تعیینِ حقوقِ ملّت به موجبِ قوانینِ معیّنه نباشد آن دولت اساس ندارد و در آن حال صاحبانِ قدرت با مردم به دلخواه خودشان رفتار خواهند کرد.» اصطلاحاتی را که فروغی به کار می‌گیرد، نباید با توجّه به تحوّلی که از سده‌ای پیش در تداولِ آن‌ها صورت گرفته است، فهمید. دولت بااساس را فروغی، که توجّهی به تمایزِ میانِ دو اصطلاحِ دولت، در معنای دقیقِ آن به عنوانِ معادلی برای state در زبان انگلیسی و Etat در زبان فرانسه، و حکومت ندارد، به عنوانِ معادلی برای gouvernement constitutionnel یا حکومت مشروطه به کار می‌گیرد. حکومت یا gouvernement از نتایج وجودِ قانونِ اساسی و مشروطیتِ دولت است، در واقع، حکومتْ اساسی‌ترین نهادی است که برابر قانون اساسی، قدرتِ دولت در آن تبلور پیدا می‌کند.

اندیشهٔ قانون‌گرایی فروغی، نسبتِ مشخصی از مسئولیتِ دولت و افراد را در حدودِ قانون مدّ نظر دارد. به همین جهت او متذکّر می‌شود که ضابطهٔ «قوانینِ معیّنه» برای افرادِ جامعه و دولت موجبِ آن خواهد بود که رفتارها و کردارهایِ دولت و مردم دیگر حالتِ دلبخواهانه پیدا نکند و Constitution، به عنوانِ اساس و بنیادِ اصلیِ دولتِ معیّن کنندهٔ رفتارِ افراد در جامعه باشد. او با اشاره به این موضوع که «در دولِ متمدنهٔ امروز تأسیسِ اساس، حقّ ملّت است و بس یعنی ملّت حقّ دارد هر گونه اساسی که می‌خواهد برای دولتِ خود معین کند» به یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های خود دربارهٔ ساختار سیاسی می‌پردازد، و آن تبیینِ مسئلهٔ «سلطنتِ ملّی» است. فروغی در ادامهٔ مطلبِ بالا به این موضوع اشاره می‌دارد که «هر ملّتی که این حقّ را داشته باشد می‌گویند دارایِ سلطنتِ ملّی souveraineté nationale است.» این سلطنتِ ملّی دقیقاً بر اساسِ خواستِ مردم و «حقّ» مردم به وجود می‌آید، که آشکارا با موضوعِ حقّ الهیِ سلطنت متفاوت است و در قانونِ اساسیِ مشروطه نیز به صورتِ مصرّحِ این مسئله آمده است، و با توجه به روندِ مشروطه‌خواهی پس از استبدادِ صغیر موضوع خلع محمدعلی شاه از سلطنت، با چنین روش و اعتقادیِ شکل گرفت. فروغی، در تبیینی کوتاه، به این مسئله اشاره می‌کند که «ملّت رأساً نمی‌تواند تأسیسِ اساس کند و مجبور است برای این عمل از جانب خود تعیینِ وکیل نماید délégation. ترتیبِ صحیحِ این است که ملّت جماعتی را از جانبِ خود برای تأسیس اساس انتخاب کند و ایشان به طور اجماع این کار را بکنند.» در اینجا، فروغی اصطلاحِ وکیل را به معنای نمایندهٔ مردم، به کار برده است فروغی اصطلاح وکیل را در بحث از مجلس مؤسسان به کار می‌گیرد و آن را از ویژگی‌هایِ «سلطنت ملّی» می‌داند که یکی از دو شیوهٔ حکومتی یا دو «شکلِ دولت»، سلطنتی و جمهوری است.

فروغی در تبیینِ موضوعِ قانون، میانِ قوانینِ اساسی یا همان Constitution با دیگر قوانین، که قوانینِ عادیِ گفته می‌شود، تفاوت قائل است. او در این زمینه اذعان دارد که، «قوانینِ اساسی با قوانینِ متعارفی از دو بابت تفاوت دارد یکی از بابتِ طریقِ وضعِ آن قوانین، دیگر از بابتِ طریقِ جرح و تعدیلِ آن‌ها...وضعِ قوانینِ اساسی با قوانینِ غیرِ اساسی یا متعارفی تفاوتی دارد و آن این است که قوانینِ متعارفی را هر یک از دو مجلسِ مقنّن علی حدّه مباحثه و مذاکره کرده، وضع می‌نمایند...امّا قوانینِ اساسی را مجلسِ مخصوصِ تأسیسِ اساس باید وضع کند و آن غالباً عبارت است از مجلسی مرکب از مجموعِ اعضایِ مجلسین که به ترتیبِ مخصوص انعقاد یافته، تأسیسِ اساس می‌کند... اما جرح و تعدیلِ قوانینِ اساسی. طریقهٔ آن یا در ضمنِ خودِ قوانینِ اساسی مقیّد شده یا نشده است و در هر صورت رأیِ غالب این است که هر وقت جرح و تعدیلِ قوانینِ اساسیِ دولت لازم شود باید مجلسِ تأسیسِ اساس را منعقد نمود و ممکن است که سلطان هم در این مورد دخالت داشته باشد.» فروغی دربارهٔ منشأ اقتدار در دولت‌ها به این موضوع اشاره می‌کند که «امروز کلیهٔ اختیارات را ناشی از ملّت می‌دانند و هیچ کس را صاحبِ قدرت نمی‌شناسند مگر به این عنوان که قدرت از جانبِ ملّت به او مفوّض باشد و هر ملّتی که صاحب و دارای این حقّ شده یعنی هیئت دولتی که بر آن ملّت سلطنت دارد قبول کرده باشد که اختیاراتش از جانبِ ملّت و قدرتش به موجبِ وکالت از ملّت است گویند دارای سلطنتِ ملّی است.» ظاهر ترکیبِ «سلطنتِ ملّی» از شمار مفاهیمِ مبهمی است که فروغی ناچار به کار می‌گیرد، اما توضیحِ او در این باره در نهایت دقّت و صراحت است. او می‌نویسد که در زمان‌های گذشته تصوّر می‌شد که یک نفر یا گروهی کوچک باید مالکِ رقاب و «صاحبِ اختیارِ مطلقِ مردم» باشند. حتّی در برخی کشورها «سلاطین مدعی بودند که مِن جانبِ الله هستند، و به این واسطه امر ایشان امر الهی و واجب‌الاطاعه» تلقّی می‌شد و رعیت نیز همین اعتقاد را داشت، اما از سده‌ای پیش این عقیده متروک شده و دانشمندان و حتی عوام پذیرفته‌اند که هرگز «یک نفر یا یک جماعت حقّ ندارد صاحب اختیار یک قوم و یک ملّت بشود، و صاحب اختیار ملّت باید خود ملّت باشد و امور خویش را اداره کند.» فروغی در توضیح سلطنت ملّی می‌افزاید که «سلطنتْ متعلق به مردم است و بس!» یعنی، به تعبیری که از آن پس تثبیت شد، حاکمیت از مردم ناشی می‌شود. در مقابلِ این مسئله، اعلام می‌دارد که «وظیفهٔ دولت این است که حافظِ حقوقِ افراد ناس یعنی نگهبانِ عدل باشد. دولت از عهدهٔ انجام وظیفهٔ خود بر نمی‌آید مگر اینکه به موجبِ قانون عمل کند. وجودِ قانون متحقّق نمی‌شود مگر به دو امر: اوّل وضعِ قانون، دوم اجرای آن.» که این را دقیقاً باید ناشی از موضوعِ تفکیکِ قوا دانست که در حکومت‌های مشروطه مورد توجه قرار گرفته است. در اینجا، ذکاءالملک این دو اختیار را چنین تبیین می‌کند «پس دولت دارای دو نوع اختیار می‌باشد یکی اختیار وضع قانون pouvoir législatif دیگر اختیار اجرای قانون. pouvoir exécutif هرگاه اختیارِ وضعِ قانون و اختیارِ اجرایِ آن در دستِ شخص واحد یا هیئتِ واحد باشد، کارِ دولت به استبداد خواهد کشید...پس دولت وقتی بااساس است که این دو اختیار را از هم منفصل کرده باشد یعنی به دو هیئت جداگانه مفوّض نموده باشد.»

ذکاءالملک، دربارهٔ «هیئتی که اختیار وضع قانون به او سپرده شده نمایندگان ملّت می‌باشند» اشاره می‌کند که این «هیئت به‌اسامی مختلفه نامیده می‌شود ولی اسم متعارف آن در نزد فرنگی‌ها پارلمان است (مجلس ملّی) parlement.» و به این موضوع توجه دارد که «هیئتِ مقننه و هیئتِ مجریه در کارهای یک‌دیگر نباید مداخله بکنند.» به اعتقادِ او، «اعضایِ این هیئت، نمایندگانِ ملّت می‌باشند، یعنی از جانبِ ملّت وکالت دارند، زیرا قانون قراردادی است راجع به عموم ملّت و به حکمِ سلطنتِ ملّی باید موافقِ میل و رأیِ ملّت باشد. بنابراین وضعِ قانون حقّ ملّت است و چون ملّت رأساً و مستقیماً نمی‌تواند این کار را صورت دهد ناچار باید جماعتی را وکالت دهد که وضع قوانین نمایند و غالباً شخصِ پادشاه یا رئیس جمهوری هم در وضع قانون با پارلمان شریک است.» به هر حال، رسالهٔ حقوق اساسی محمدعلی فروغی، که ترجمه و اقتباسی از رساله یا رساله‌هایی در حقوق اساسیِ فرانسه است، در آن زمان در دسترس شمار اندک کسانی که آشناییِ اجمالی با این مباحث پیدا کرده بودند، قرار داشت. بدیهی است که، به این اعتبار، نمی‌توان آن را اثری بدیع به شمار آورد. وانگهی، تردیدی نیست که فروغی در فهم برخی مباحث حقوق اساسی دچار مشکل بوده و، البته، به ترجمهٔ آن بخش‌هایی خطر کرده است که تصوری اجمالی از آن‌ها پیدا کرده بود. با این همه، تدوین و انتشار رسالهٔ حقوق اساسی، مانند دیگر رساله‌ها در شاخه‌های مختلفِ حقوق، که در آن زمان تدوین و برخی از آن‌ها منتشر شدند، از طریقِ مفهومِ مخالف، مبیّن این بود که با تأسیس مدرسهٔ علوم سیاسی، پیروزی جنبشِ مشروطه‌خواهی و آغاز به کار مجلس اوّل همهٔ جریان‌های اندیشهٔ سیاسی، نظامِ سنت قدماییِ ایران اعتبارِ خود را از دست داده‌اند. به ویژه اینکه با آغازِ عصر ناصری، کوشش‌هایی برای تجدیدِ مراسمِ آن اندیشهٔ سیاسی غیرممکن شده بود. با این وضعیت، روشنفکران در شرایطِ امتناعِ تجدیدِ مراسمِ اندیشهٔ سیاسی قدما به متفکران قوم تبدیل شدند، اما با پیروزیِ مشروطیت در ایران، این متفکرانِ جدید نیز جای خود را به حقوق‌دانان دادند. مشروطیت، به عنوانِ نظامِ مبتنی بر حکومتِ قانون، ناظر بر تحوّلی در نظام حقوقی بود. با اعلامِ قانونِ اساسیِ مشروطیت و در شرایطی که آشنایی مشروطه‌خواهان با مبانیِ فلسفهٔ سیاسیِ مشروطیت بسیار اندک بود، با کوشش‌های برخی حقوق‌دانان، کلیاتی از حقوقِ عمومی جای فلسفهٔ سیاسی مشروطیت را گرفت و همین آشنایی اجمالی با حقوق جدید مبنایی برای تبدیلِ حقوقِ شرع به حقوقِ جدید شد. فروغی، به عنوانِ یک متجدّدِ مشروطه‌خواه، نقشِ مهمّی در گذارِ از اندیشهٔ قانون‌خواهی به مشروطه‌خواهی داشت. رسالهٔ او، نشان از نیاز به نظامِ مفهومی برای نظامی بود که در حالِ شکل گیری بود و بسیاری از کوشندگانِ مشروطه هنوز تصوّرِ درستی از آن نداشتند و بسطِ مفاهیمِ حقوقی، که در رسالهٔ فروغی آمده و نیز اشاره به طرزِ کارِ حکومتِ مشروطه، برای نخستین بار، نشان از فهمِ این موضوع بود که به جز «نظام‌نامهٔ اساسی» و متممِ آن، نیاز به نوشته‌هایی دیگر هست که بتواند نقشی اساسی‌تر در بسطِ اندیشهٔ مشروطه‌خواهی ایفا کند. یکی از این نوشته‌ها که پس از فروغی نوشته شد، نوشتهٔ منصورالسلطنهٔ عدل بود. این نوشته که دو سال پس از نوشتهٔ فروغی به طبع رسید، اصولی‌تر و مفصّل‌تر به اساسِ مشروطیت پرداخته و آن را می‌توان تالیِ نوشتهٔ فروغی دانست.

وزیری که هیچگاه نوک عصایش را بر خاک وطن نکوفت

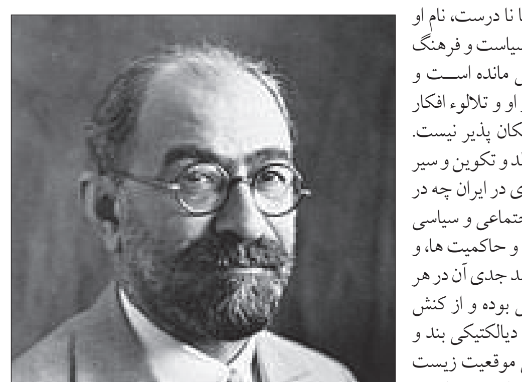

مظاهر شهامت–جلال آل احمد نویسنده است، محقق است، روشنفکر و منتقد است، بر نثر فارسی معاصر تاثیر گذاشته، پیشگام در تحرکات سیاسی اخیر بوده، به عضویت حزب درمی آید، از عضویت در حزب خارج می شود، تجدد را ستایش می کند، آدم مدرنی است، خدمت و خیانت روشنفکر را می شناسد، تاریخ را می فهمد، تاریخ را از روی مصلحت و دوراندیشی ، تحریف می کند، از خانواده مذهبی است، بر مذهب می آشوبد، « خسی در میقات را می نویسد» و پس، به خیلی از دستاوردهای تاریخ اندیشه و اندیشیدن خود پشت پا می زند، به غرب زدگی می اندیشد و «غرب زدگی» را می نویسد و دستمایه ایی می شود برای میل به «راست اندیشی» و به خدمت گرفته شدن در حکم مثال «راست» اندیشان در جهت کوبیدن و سرکوب کردن مخالف اندیشان از جانب قدرت استفاده گر و بهره بر، آدم های جوراجوری جلال را می خوانند ، با او دوستی می کنند، از طیف های گوناگون و جبهات مختلف. از آنان که با «قدرت» هستند تا آنان که بر «قدرت» هستند، مدیر مدرسه را می نویسد و چه بسیار مدیرمدرسه است در جمع های مختلف و بر آنان که نه «دانش آموز» که حلقه و انجمن یارانش است، عصبی و عصبانی است، بسیارسیگار می کشد، بسیار می نوشد، و ته ته دل و روحش و با وجود تظاهر به دین گریزی پای در آن دارد و به مکه هم می رود و می شود «حاج روشنفکر» تا این بار، صادق و جسورتر، هدایت کند دیگران را، که همواره نیت و قصد و اراده هدایتگری را داشته است، پس به یکی از چهره های مشهوری بدل می شود که رضایت می دهد با ترکیب عجیب و غریب پرتناقض « روشنفکر دینی» هم شناخته شود، پر هیاهو زندگی می کند، اما ناگهان می میرد، اما هنوز نام او (حداقل در انجمن های نه چندان کلان، و در جاها و مباحث و موضوعات بازهم متناقض و متضاد) اگر چه مانند همیشه با صدای بلند اما، گذرا و به دور از ورود به کنکاش و چالش جدی، به یاد آورده می شود و قداست بخشوده شده به آن، همچنان حفظ می شود، به سانی که درست یا نا درست، نام او وبال گردن ادبیات، تاریخ، سیاست و فرهنگ موقعیت معاصر ایران باقی مانده است و گویا به این زودی رهایی از او و تلالوء افکار و رفتار گونه به گونش، امکان پذیر نیست. سخت است بپذیریم که تولد و تکوین و سیر مفهوم و مقوله روشنفکری در ایران چه در موضع ستایش مناسبات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه و حاکمیت ها، و چه در جایگاه مخالفت و نقد جدی آن در هر زمان، دارای قدمتی تاریخی بوده و از کنش و واکنش های به اصطلاح دیالکتیکی بند و بست های خاص و واقعی موقعیت زیست ذهنی و عینی ایرانیان، حاصل شده است. ویژگی گذر تاریخی ما با در نظر گرفتن وقوع جمیع تغییرات و تحولات منطقه ایی، چنین مولود طبیعی و الزامی و اجتناب ناپذیر را تایید نمی کند، بلکه چنان که انواعی از واقعیات مدرنیته و مدرنیسم، به جای امری حاصل شده، به عنوان بسته ها و داده های وارداتی و در بیشتر اوقات، حتی به شکل تحمیلی، با اهداف استعماری و استثماری، بین ما ظهور و حضور پیدا کرده است، مقوله روشنفکری نیز به عنوان جزء و پدیده ایی از آن، از خارج از مرزهای خاکی و سیستم فکری ما یا وارد، یا از نمونه های آن تقلید شده و بسط پیدا کرده است که شاید همین اتفاق، یکی از عمده دلایل عقیم ماندن بسیاری از دستاوردهای آن چه در شناخت و چه در اجرا و چه در مدیریت، بوده باشد. اتفاقی که نشان می دهد این امر، هنوز از نیل به تحول خود و داشتن ماهیتی واقعا بومی، ناتوان مانده است. به این دلیل، وضعیت روشنفکری ایرانی را حداقل در دوره پیش از انقلاب، یک وضعیت پارادوکسیکال می دانیم، به این معنا که جریان فکری ایی که قرار بود با سطوح مختلف سیطره و سلطه مخالف بوده و آن را فعالانه نقد بکند، پیش تر تحت احاطه تکوینی نوع دیگری از آن که اتفاقا مدیریت شونده هم بوده است، قرار داشته است. که شاخص ترین آن سلطه ایدئولوژیک اندیشه راست غرب و بسیار فعال تر از آن، تسلط غالبا هدایت شونده اندیشه ایدئولوژیک چپ، که اتفاقا به خاطر حمایت توده ایی از وجهه و اعتبار بالایی هم برخوردار بوده، شناسایی شده است . به این ترتیب، جریان روشنفکری ایرانی، به جای تولید مفهوم و شناخت تازه و بومی که نسبت به آن موظف شمرده می شد ،عموما به بسط و تشریح تفکرات از پیش آماده شده پرداخته و در خوش بینانه ترین اقدام، کوشیده تا به ترجمه خود عنوان و رنگ و بوی عامه و عوام پسند ببخشد.در این میان به باور من، جلال آل احمد، اگر چه از بیان جسورانه این معضل (با وجود ارائه نشانه هایی) خود داری کرده است، اما آن را به خوبی احساس کرده است. لیکن فقدان شناخت دقیق و عمیق او از این نقص غالب بر سیستم اندیشه گری روشنفکرانه، باعث شده تا احساس او به تحلیل های زیرساختانه و موثر منجر نشده، به جای آن و ناشیگرانه، دوباره در دام سنت های فکری ایی گرفتار شود که اتفاقا بر کلیت جریان، خطر و خدشه آفرین بوده است. شخصیت آل احمد از نقطه نظر روان و رفتار، شخصیتی بسیار عصبی، کوشا و فعال، شتاب کننده و سریع الاقدام است و این واقعیت به احتمال زیاد، فرصت ها و امکانات تدقیق و غور در موضوعات را از او ستانده است. و همین باعث شده تا او برای ارضاء حس دستیابی به نتایج متوقع خود، حتی به تقدیس ارتجاعی ترین بخش هایی از سنت نیز، دست بزند. جلال آل احمد کوشیده است تا از بیماری راست و چپ زدگی وضعیت روشنفکری ، که اتفاقا بیماری ایی مدرن هم هست و به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و جغرافیای ویژه سیاسی ایران در آن بیشتر شایع شده است، خارج شده و آن را درمان نیز بکند، اما به واسطه توانایی اندک شناخت و قدرت تحلیلی، اتفاقا اعتبار خود و کلیت روشنفکری دوره را به سوی قهقهرای سخت و بسیار تاریک فکری رهنمون شده که گذر از آن، بخشی از افتخارت کارنامه روشنفکری ایران حداقل از دوره پس از آغاز نهضت مشروطه خواهی محسوب می شود.

دقیقه‌ی محمدعلی فروغی برای تیمارستان

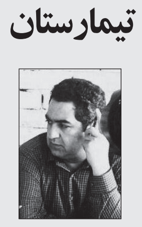

نوشته‌ی مک مورفیِ درونِ علی‌نجات غلامی

فروغی در زمانه‌ی حاضر بیشتر جنبه‌ای درمانگرانه در مقابل مالیخولیاهای ایدئولوژیک دارد. دیگر حتی نمی‌توان گفت که مواضعی مثل کومونیسم، ناسیونالیسم، راسیسم‌های منکسر، نولیبرالیسم، سنت‌گرایی بنیادگرایانه و غیره باید «ایدئولوژی» نامیده شوند، بلکه عمدتاً حالاتی از «سلوک» و «کنش آیینی» اند. وضعیت به گونه‌ای است که باید گفت آنچه در فضاهای عمومی به اسم نقد و تأمل عرضه می‌شود بیشتر به نعره‌هایی شبیه است که از یک تیمارستان به گوش می‌رسد. البته شنونده [یعنی نگارنده‌ی حاضر] نیز طبعاً خیلی بیرون از آن تیمارستان نیست و فقط برای هواخوری دارد در حیاط پشتی در یک دایره‌ی ارشمیدسی می‌چرخد و باد خنک که به سرش می‌خورد یک لحظه دچار «عقل آنی» – در مقابل «جنون آنی» – می‌شود و توان تشخیص وضعیتی که در آن است را به نحو نیمه‌واضح و نیمه‌متمایزی در یک سایه‌روشن فلق‌وار دارد. و با درنگی در می‌یابد که راه چاره این است که کتابی در شرح افکار و کردار فروغی، داور، عیسی صدیق، حکمت، تقی‌زاده و دیگران تألیف شود و طی یک مراسم جنگیری مثلاً یک کومونیست یا یک نولیبرالیست یا یک بنیادگرای مذهبی یا یک ناسیونالیست و غیره را به تختی بست و آن کتاب را روی سینه‌اش گذاشت و از آخرین قطرات آب دریاچه‌ی ارومیه به صورت‌اش پاشید و مکرراً گفت: «نفس عمیق بکش». اگر فرد از تشنج شدید اولیه جان سالم به در ببرد بی‌شک به خوابی آرام فرو خواهد رفت و هراکلیتوس به خوابش خواهد آمد و به او خواهد گفت: «پاشو ببینم! واسه چی خوابیدی؟! بیدارشو! باد، همه بادکنک‌های شهرت را برد!». ببخشید متن این‌شکلی شد، عرض کردم که بنده نیز از همان تیمارستان دارم این متن را خدمت‌تان می‌نگارم و این عقل آنی عنصر چندان پایداری در جدول مندلیف نیست. تا کامل نپریده عرضم به حضور شما که محمد علمی فروغی و نسل او در حقیقت می‌توانند برای درک درست تاریخ اندیشه در ایران و فهم مولفه‌های قوام وضعیت فعلی به کار آیند. از سگانه‌ی تفکرات عام سیاسی یعنی سوسیالیسم، کانسرواتیسم و لیبرالیسم، طیف فروغی طیفی بودند که به نحو کاملاً عینی، نسخه‌ای واقعی از یک مورد از این سگانه را عملی کردند، یعنی لیبرالیسم. در ایشان نظر و عمل یعنی تئوریا و پراکسیس در پیوندی روشن بودند و بنابراین نقطه‌ای ارشمیدسی قابل اتکائی برای پیدا کردن سرنخ کلاف سردرگم حافظه تاریخی خیال‌زده‌ی ما را قوام می‌دهند. نقطه‌ای که در نسبت با آن است که باید تاریخ تفکر را در ایران بازنویسی کرد. حتی پدیدار مشروطه بدون فهم این نقطه از وضوح و تمایز کافی برخوردار نیست. وضعیت مالیخولیایی بدواً خودش را در «شیوه‌های نقد» نشان دهد، لذا هر کسی که از لفظ مالیخولیا برای نقد دیگران استفاده کند بدواً دارد آن وضعیت را تثبیت و بازتولید می‌کند، از جمله نگارنده‌ی حاضر. اما تفاوت نگارنده‌ی حاضر خودآگاهی‌ای لحظه‌ای طی یک عقل آنی است که به خودِ مالیخولیایی بودنِ شکایت‌اش از مالیخولیایی بودنِ دیگران پی می‌برد. این یک لحظه‌ی از خودبیگانه‌ی سقراطی است. اگر حرف هوسرل را عمیقاً بفهمیم که «فرد زمانی می‌تواند یک حیوان عاقل باشد که کل تمدنی که در آن است یک تمدن عاقل باشد» باید گفت که شکل‌گیری افرادی که در ایران داریم می‌بینیم‌شان که نگارنده نیز در حال عمومی‌اش یکی از آنهاست، تنها در صورتی ممکن است که کل یک تمدن به جنون رسیده باشد. اما نکته حساس این است که در تاریخ یک جنون نیز جنون سنخی از کوگیتو ممکن است. (اگر همه چیز دود شود و به هوا برود باز هم با بو می توان حقیقت را تشخیص داد (هراکلیتوس)). کوگیتویی که از میانه و نابهنگام است. و تفاوت علی‌نجات غلامی با سایر مجانین در این نیست که او عاقلی است که دیگران را مجنون می‌بیند بلکه مجنونی است که برای لحظه‌ای، جنون را در کلیت‌اش می‌بیند. او هرگز نمی‌تواند یک سقراط در خودبودگی کامل‌اش باشد، زیرا در یونان نیست، بلکه لحظه‌ی سقراطی او، چونان عقل آنی، یک وضعیت از خودبیگانه است. اما اگر بتواند در همین لحظه‌ی گذرا به نقطه‌ی ارشمیدسی یک تاریخ دیوانه بنگرد و متوجه «دقیقه‌ی فروغی» شود می‌تواند دست به یک «انفجار خاموش» بزند. انفجاری از درون که شیشه‌های تیمارستان را می‌شکند تا لحظه‌ای نور زمستانی بر وجود محزون اشیاء بتابد. جذابیت پنهان علی‌نجات غلامی در همین است. چرا یک سنت گرا، یک چپ، یک نولیبرالیست، یک ناسیونالیست و امثالهم که در دل زندگی روزمره با او آشنا هستند یا متن‌هایش را همواره در فضاهای غیررسمی و زیسته می‌خوانند، با اینکه می‌توانند در همان برخورد اول با چهار برچسب از پیش آماده، علی‌نجات غلامی را به گروه مقابل وصل کنند و ردش کنند اما احساس می‌کنند این «کافی» نیست؟ یک «پسماند» یک باقی‌مانده و یا یک ردونشان، برجای می‌ماند. این ناشی از یک اشاره‌ی پیشاایدئولوژیک و پیشاجنونی است که

چونان یک لحظه‌ی از دست‌رفته، فرد را حین مواجهه با او به جستجوی بخشی گمگشته از وجود خودش ترغیب می‌کند که احساس می‌کند در چهره‌ی او دیده است. «نارسیسم ابزاری» غلامی در آغاز به شکل منیت‌های همگان در نحوه‌ای از اراده‌ به قدرت نمایان می‌شود اما خودبنیاد نمی‌شود و اشارتی به سوی خودشناسی می‌شود. این اشارت نمی‌تواند غیرتاریخی باشد و در عین حال نمی‌تواند به تاریخ بسنده کند و به امکان امر بهتر ننگرد، ولو در هیچ تاریخی محقق نشده باشد. از این رو به لحظه‌ای در تاریخ اشارت‌ات می‌دهد که تاریخ یک جنون، از جنونش پرسش کرد: دقیقه‌ی فروغی. دقیقه‌ای که در عین در تاریخ بودن‌اش از تاریخی بودن فراروی می‌کند. تندرویی می‌تواند «در ملاء عام» اسنادی دال بر وابستگی او به انگلیس بیاورد، چپ می‌تواند او را چونان لحظه‌ای از سرمایه‌داری به فحش بکشد، ناسیونالیست می‌تواند او را مخل اولویت ایرانیان قلمداد کند، پان‌گرای قومی می‌تواند او را از اسباب پان‌فارسیسم تلقی کند و غیره و غیره. اما اینها فقط تاآنجایی فرد را قانع می‌کنند که دارد با دیگران و خطاب به دیگران سخن می‌گوید، نه وقتی که به سلول انفرادی‌اش در تیمارستان برمی‌گردد و به دیوارهای سرد می‌نگرد و با خودش حرف می‌زند. کانت می‌گفت شجاعت استفاده از عقل خویش را در ملاء عام داشته باش، اما این را خطاب به تمدنی عاقل می‌گفت. در یک تمدن دیوانه باید گفت که شجاعت استفاده از عقل خویش را در سلول انفرادی‌ات داشته باش. من با تنهایی‌های تو و حدیث نفس‌ات کار دارم نه آنچه در ملاء عام می‌گویی. آنجاکه شبح فروغی ریز تخت‌ات پنهان است و از وحشت‌اش تا صبح جیغ می‌کشی. پرسش از جنون در عین جنون. چیست مخوف‌تر از این؟!